

تحلیل فقهی و کارکردهای روان‌شناختی صله رحم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۹

جعفر هوشیاری^۱، سید علی سید موسوی^۲، محمد مهدی صفورایی پاریزی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی حکم فقهی صله رحم و تحلیل کارکردهای روان‌شناختی آن به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شد. به منظور دست‌یابی به اهداف پژوهش، آیات و روایات صله رحم و دیدگاه علمای شیعه مورد کنکاش قرار گرفت. برای روشن نمودن دیدگاه اسلام درباره صله رحم، درک اهمیت و پابندی عملی به آن، کارکردهای روان‌شناختی صله رحم تبیین شد. برای دستیابی به هدف مورد مطالعه، صله رحم در دو بخش مورد مطالعه قرار گرفت: در بخش اول مواردی همچون حرمت قطع رحم، وجوب پایین‌ترین مرتبه صله رحم در حق تمام ارحام (حتی کافر غیر حربی، فاسق و مخالف ناصبی)، استحباب صله مالی و سایر مراتب غیر دال بر دوستی در مورد آنان استنباط شد. در بخش دوم، کارکردهای روان‌شناختی صله رحم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده کارکردهای مهم روان‌شناختی همچون آرامش روانی، احساس ایمنی، ارضای نیازهای عاطفی، ارضای نیاز به محبت، تعلق به گروه، ابراز خود و احساس ارزش‌مندی، شکوفایی استعدادها از طریق همانندسازی و الگوگیری، آموزش و رعایت هنجارهای خانوادگی و اجتماعی، تسهیل فرایند اجتماعی شدن و درمان اضطراب اجتماعی، طی پابندی به فریضه الهی صله رحم است.

واژگان کلیدی: صله رحم، تحلیل فقهی، کارکردهای روان‌شناختی، فقه،

روان‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، عضو گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: j.houshyari@yahoo.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
Email: Sas.mousavi@yahoo.com

۳. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
Email: M.safurayi@miu.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و نیاز فزاینده انسان‌ها به یکدیگر، تعاملات خانوادگی و اجتماعی به صورت پیچیده‌ای درآمد و میزان و نوع رابطه‌ها نیز تغییر یافته است. گرچه ارتباط خویشاوندی تسهیل شده، از عمق کمتری برخوردار است و انسان‌ها بیش از گذشته احساس تنهایی می‌کنند. شاهد این مدعا افزایش بیماری‌های روانی ناشی از احساس تنهایی است. به عقیده اریک فروم (۱۹۴۱) مردم با به دست آوردن آزادی، احساس تنهایی بیشتری کرده‌اند، و هرچه آزادی کمتری داشته‌اند، احساس امنیت آنها بیشتر بوده است (قاسمی پور، غباری بناب، و فقیهی، ۱۳۸۶). بنابراین، این سؤال مهم مطرح است که چرا با وجود تنوع و تسهیل شیوه‌های ارتباطی، چنانچه به وضوح قابل ملاحظه است؛ کیفیت روابط بهبود نیافته است؟

انسان موجودی اجتماعی است که برای بهزیستی و کمال نیاز به برقراری روابط اجتماعی صحیح با دیگران دارد. به ویژه، این روابط اگر مربوط به افرادی شود که فرد بیشترین تعامل، دلبستگی و تأثیرپذیری را از آنها دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در متون اسلامی از این روابط عمیق و مؤثر با عنوان «صله رحم» یاد می‌شود. در اندیشه اسلامی حفظ، توسعه و تعمیق روابط فامیلی از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را جزء دین دانسته است (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷/۲، ۱۵۱). صله رحم، رابطه با خویشاوندان و شریک ساختن آنان در خیرات دنیوی، دید و بازدید کردن و شاد نمودن آنان است (نراقی، ۱۹۶۳) و در روایات، صله رحم زمینه‌ساز بهنجاری در تمام امور خانوادگی معرفی شده است (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۸۴، ۷۴/۱۷).

این مسئله با توصیف، تحلیل و فهم دقیق حوزه معنایی و کاربردی آن در زندگی روزمره، تأثیر زیادی در تأمین آرامش روانی و پرورش مطلوب اعضای خانواده و جامعه خواهد داشت. در عین حال، پژوهش‌گران آشنا با کتب فقهی می‌دانند، که صله رحم و مسائل مرتبط با آن، به شکل مبسوط و مستوفی از نظر فقهی بررسی نشده است و هر آنچه در این زمینه قابل دستیابی است حکم کلی صله و قطع رحم و مسائل اخلاقی آن است. در کتب فقهی، محدوده معنایی رحم، صله، قطع و بررسی فقهی آن؛ چگونگی تحقق و تقویت صله

و جلوگیری از قطع رحم؛ حکم فقهی صله کافر، مخالف و فاسق، کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است. از این رو، بیان دیدگاه فقه امامیه و تبیین مستدل حکم فقهی کیفیت و کمیت صله رحم و ارائه تحلیل های روان شناختی در مورد ضرورت و مکانیزم اثر آن از اهداف پژوهش حاضر است.

۲. صله رحم در فقه و لغت

۲-۱. صله رحم در لغت

صله در لغت، مصدر وصل و ضد فصل است. هنگامی که به رحم، همچون برادران و مانند آنها نسبت داده شود، مراد چیزی است که باعث قرب، نزدیکی و اتصال شود؛ مانند احسان و مهربانی با آنان. (طاهری خرم آبادی، بی تا) مرجع معنای اصطلاحی صله، عرف است؛ چرا که حقیقت شرعیه نیست، پس مصادیق صله به نسبت فرهنگ ها، اماکن، زمان ها و افراد متفاوت است (العاملی الکرکی، ۱۳۹۴). رحم یعنی، محل رشد جنین و جمع آن ارحام است: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران: ۶). در قرآن کریم رحم در معنای فوق همیشه به صورت جمع آمده است. به اقوام از آن جهت ارحام گفته می شود که ریشه همه یک رحم است (قرشی، ۱۳۸۷، ۶۹/۳). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۷). در معنای احوال مختلفی وجود دارد که عبارتند از: «نسبت و اتصال بین منتسبین، که یک رحم آنها را جمع می کند» (مجلسی، ۱۳۸۴، ۱۰۹/۷۴)؛ «تمام کسانی که به یک پدر و مادر در اسلام می رسند» (مقید، ۱۳۷۲؛ حلی، ۱۳۸۷، ۴۸۹/۲). رحم از نظر لغوی و عرفی به معنای مطلق قرابت است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۲۳۱/۱۲)؛ وارث و غیر وارث، محرم و نامحرم، مسلمان و کافر، از جانب والدین یا یکی از آنها تفاوتی ندارد. بنابراین، رحم در لسان شارح نیز به همین معناست، به شرط اینکه به قدری دور نباشد که عرف آن را قرابت نداند (العاملی الکرکی، ۱۳۹۴). در مورد خویشاوندان سببی، علامه جوادی آملی در تفسیر آیه ۲۷ سوره بقره آورده است:

مراد از ارحام، اعم از نزدیکان نسبی و سببی است؛ زیرا در برخی نصوص، خویشاوندان سببی نیز در حکم ارحام نسبی ذکر شده اند. مانند «جعل المصاهرة نسباً لاحقاً». بنابراین، انسان موظف است ارتباط خود را با ارحام سببی نیز قطع نکند.

این دیدگاه مطابق با معنای لغوی و عرفی رحم است. با نگاه به آیات و روایات می‌توان گفت که رحم در ادبیات دینی، غیر از خویشاوندی نسبی و جسمانی بر مصادیق دیگری نیز قابل تطبیق است و برخی از پیوندهای روحانی و معنوی را در برمی‌گیرد. شاهد این مدعا آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و روایت «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (مجلسی، ۱۳۸۴، ۹۶/۱۶) است. به مقتضای این روایت اشتراک در عقیده سبب پیوند قرار داده شده است (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۷۳، ۵۲۲/۷). این توسعه به منظور توجه همگان به مقام، موقعیت و حقوق ویژه هر یک از اینان بر یکدیگر صورت گرفته است. در نتیجه پیامبر اکرم ﷺ، امیرالمومنین علیؑ و ائمه هدی علیهم السلام، رحم مؤمنان هستند و حقوقی بر آنها دارند. مؤمنین نیز حقوق و تکالیف ویژه‌ای نسبت به یکدیگر دارند و رعایت آنها از مصادیق صله رحم و بی‌توجهی و سرپیچی از آنها از مصادیق قطع رحم به شمار می‌آید. در این بین رعایت حقوق پدران دینی یعنی، معصومین علیهم السلام و دوستان آنها، حتی از رعایت حقوق پدران نسبی برتر است. شاهد این مدعا روایات فراوان از جمله روایت امام سجاد علیؑ است که فرمود:

حق ابویین دینی ما یعنی، پیامبر و امیرالمومنین و دوستان آنها از حق ابویین نسبی ما برتر است، به درستی که ابویین دینی می‌توانند رضایت ابویین نسبی را جلب کنند، در صورتی که ابویین نسبی نمی‌توانند رضایت ابویین دینی را جلب کنند. (مجلسی،

۱۳۸۴، ۲۳/۲۶۳)

لسان العرب صله رحم را اتصال، رسیدگی و احسان به ارحام می‌داند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۷۲۶/۱۱) و ابن اثیر در نه‌جیه آن را، احسان و نیکی به خویشان نسبی و سببی و مهربانی به آنها و سازگاری و مراعات کردن حال آنها دانسته است، گرچه خویشی دور باشد و افراد شایسته‌ای نباشند (به نقل از مجلسی، ۱۳۸۴، ۱۰۹/۷۱). مرحوم نراقی معتقد است که صله رحم عبارت است از: «شریک ساختن رحم و خویشان در مال و مقام و دیگر خیرات دنیا که آدمی به آنها دست می‌یابد» (نراقی، ۱۹۶۳، ۲۵۶/۲). خواجه نصیرالدین طوسی نیز در تعریف صله رحم می‌گوید: «صله رحم آن بود که خویشان و پیوستگان را با خود در خیرات دنیوی شرکت دهد» (مجبی، ۱۳۸۳، ۳۷۵/۱۰). قطع رحم نیز به معنای دوری و خودداری کردن از نیکی و مهربانی به خویشاوندان است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۲۷۸/۸).

با توجه به روایات و تعاریف بیان شده، صله رحم به معنای ارتباط نزدیک و پیوند با اقوام و خویشاوندان است و به شکل های گوناگون نمود خارجی پیدا می کند. گاهی اوقات در حد سلام کردن و احوال پرسی است (رک.. کلینی، ۱۳۶۷/۲، ۱۵۵) و گاهی به صورت ملاقات های حضوری، کمک مادی و معنوی در موقعیت های مقتضی و در نهایت تماس های مستقیم و غیرمستقیم به گونه ای که احساس شود پیوند خویشاوندی برقرار است (رک.. کلینی، ۱۳۶۷/۲، ۱۵۱).

۲-۲. ادله فقهی صله رحم

دین اسلام، اهتمام ویژه ای به صله رحم دارد و به دلیل مصالح فراوان و با هدف قرب الهی و رسیدن به کمال فردی و اجتماعی، ترک آن را جایز ندانسته است. از آنجا که تبیین حکم فقهی صله رحم، زمینه ساز پایبندی افراد جامعه به این فریضه مهم و بروز کارکردهای روان شناختی آن است، ضروری است ادله فقهی آن بررسی و تحلیل شود.

۲-۱-۱. آیات

آیه اول

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا.

ای مردم بترسید از پروردگار خود... و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید که همانا خدا مراقب اعمال شماست. (نساء: ۱)

اعراب الارحام ممکن است به سه شکل قرائت شود: شکل اول، مرفوع بودن کلمه ارحام چنانکه زمخشری گفته است که مبتدا برای خبر محذوف و دال بر وجوب صله و حرمت قطع خواهد بود. به این صورت که «و الارحام كذلك» یعنی، «و الارحام مما يتسائل به». شکل دوم، مجرور بودن کلمه ارحام چنانکه حمزه از قراء سبعة، این چنین قرائت کرده است. در این صورت ارتباطی به «مانحن فیه» نخواهد داشت (طاهری خرم آبادی، بی تا). شکل سوم که بیشتر رواج دارد قرائت منصوب کلمه ارحام است که این خود دو نوع ترکیب دارد: ترکیب اول، منصوب و عطف بر موضع جار و مجرور است. این قول مختار شیخ طوسی در تفسیر تبیان و فخر رازی در تفسیر کبیر است. در این صورت دلالتی بر «مانحن فیه» ندارد.

ترکیب دوم، عطف بر الله و معنا چنین است: «واتقوا الله و اتقوا الارحام» که این، نظر اکثر مفسرین است. بنابراین، بر اساس قرائت مشهور و قول اکثر مفسرین، آیه به وجوب صله و حرمت قطع اشاره دارد.

روایات زیادی وجود دارد که دال بر همین معناست، از جمله:

جَمِيلُ بِنِ دَرَّاجٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ "وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ" قَالَ هِيَ أَرْحَامُ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِصِلَتِهَا وَ عَظَمَهَا أَلَا تَرَى أَنَّهُ جَعَلَهَا مِنْهُ».

جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق علیه السلام پیرامون سخن خداوند متعال که فرمود: «بترسید از خداوندی که به وسیله (نام او) از یکدیگر سؤال می نمایید و (نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان پرهیز کنید»، سؤال نمودم؟ حضرت فرمود: ارحام مردم هستند، که خداوند به دلجویی و احترام آنها دستور داده، آیا توجه نداری که خداوند ایشان را در کنار (نام) خود قرار داده است. (مجلسی، ۱۳۸۴، ۱۲۹/۷۴)

سند روایت صحیح است. به قرینه روایات، دلالت آیه بر وجوب صله رحم قطعی و واضح

است.

آیه دوم

الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.

کسانی که پیمان خدا را از پس آنکه آن را بستند، می شکند و رشته ای را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین تباهی می کنند، آنها خودشان زیانکارانند. (بقره: ۲۷)

آیه ۲۵ سوره رعد نیز به همین مضمون است. استدلال به آیه از دو طریق ممکن است. اول اینکه صله رحم یکی از عهدهای الهی، و دوم اینکه از مصادیق «ما امر الله ان یوصل» باشد (رک.. کلینی، ۱۳۶۷، ۲/۱۵۲)، که قطع ارتباط انسان با پدر و مادر و فرزندان و بستگان نزدیک از مصادیق روشن آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ۲/۵۵۹).

آیه سوم

وَ اغْبُدُوا لِلَّهِ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ

المساكين و الجار ذی القربى و الجار الجنب

خدا را بپرستید و چیزی شریک او نگیرید و به پدر و مادر احسان کنید، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و (نساء: ۳۶)

دلالت این آیه بر وجوب صله واضح است؛ چون هر صله ای احسان و هراحسانی هم صله می باشد. (طاهری خرم آبادی، بی تا) در اینجا سه آیه دیگر وجود دارد که دال بر وجوب ایتاء حق ذی القربى است که عبارتند از: آیه ۹۰ سوره نحل، آیه ۲۶ سوره اسراء و آیه ۳۸ سوره روم. این آیات به طور آشکار بر وجوب رد حق ارحام و ذی القربى اشاره دارد، اما در مورد چگونگی این حق دلالتی ندارند. در نهایت می توان گفت که اگر در دلالت آیات بر وجوب صله رحم اشکالی وارد شود، به کمک روایات این دلالت قطعی است.

۲-۲-۲. روایات

روایات صله رحم چهار دسته اند:

اول) روایات دال بر مطلوبیت صله رحم: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالرِّمِّ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ؛ با نیکوکاری و صله رحم به خدای بزرگ تقرب جوئید». (کلینی، ۱۳۶۷، ۴/۲۷)

دوم) روایات بیان کننده آثار صله رحم:

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عَمْرِهِ ثَلَاثٌ سِنِينَ فَيُصَيِّرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.

فردی صله رحم انجام می دهد در حالی که سه سال از عمر او باقی مانده است و خدا سن او را به سی سال افزایش می دهد، خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. (کلینی، ۱۳۶۷، ۲/۱۵۱)

سوم) روایاتی که آشکارا به وجوب صله رحم اشاره دارد: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَإِنْ قَطَعْتُمْ؛ به ارحام خود پیوندید گرچه از شما بریده باشند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۵/۲۵۴)؛ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

صِلْ رَحِمَكَ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمَ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ بَرُّوا بِأَخْوَانِكُمْ وَ لَوْ بِحُسْنِ السَّلَامِ وَ رَدِّ الْجَوَابِ.

صله رحم نمایند گرچه با جرعه آبی باشد و بالاترین صله رحم، خودنگهداری از اذیت ارحام است. شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود: صله رحم کنید و به برادران

خود نیکی کنید گرچه با نیکو سلام کردن یا نیکو پاسخ دادن سلام. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸،

۵۴۰/۲۱)

چهارم) روایاتی که امر به صلّه قاطع رحم کرده‌اند: **عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ؛** با هر که از تو ببرد و قطع ارتباط کند، پیوند گیر». (مجلسی، ۱۳۸۴، ۱۷۱/۷۴)
بنابراین، مجموع آیات و روایات آشکارا به وجوب صلّه رحم اشاره دارند.

۲-۳. حرمت قطع رحم

گرچه فرض جواز قطع، حتی با پایین‌ترین مرتبه وجوب صلّه نیز سازگار نیست، اما به دلیل اهمیت بالا، آثار و کارکردهای این آموزه دینی، آیات و روایات فراوانی به صورت مستقل بر حرمت قطع رحم تأکید کرده‌اند.

۲-۳-۱. آیات

آیه اول

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ.

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش‌هایشان را کر و چشم‌هایشان را کور کرده است! (محمد: ۲۲-۲۳)
این آیات در مقام هشدار به افراد ضعیف‌الایمان است که عاقبت کارشان فساد فی الارض و قطع رحم می‌باشد. دلالت آیه بر حرمت قطع رحم واضح است؛ زیرا لعنت خدا، دال بر حرمت است. ذیل این آیه روایاتی آمده است که به استدلال آن کمک می‌کند. از جمله:

قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص يَا بُنَيَّ انْظُرْ حَمْسَةً فَلَا تُصَاحِبْهُمْ وَلَا تُحَادِثْهُمْ وَلَا تُرَافِقْهُمْ فِي طَرِيقٍ... الْقَاطِعِ لِرَجْمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ...» (محمد: ۲۲)؛ «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ اللَّعَنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (عد: ۲۵)؛ «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ

أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسَدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۲۷).

امام علی بن الحسن به من فرمود: فرزندم با پنج نفر رفاقت و گفت وگو نکن و با آنان هم مسیر نشو... یکی از آنان قطع کننده رحم است که من او را در سه جای قرآن معلوم یافتیم. آنجا که خداوند فرمود: «اگر (از این دستورها) روی گردان شوی، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنی» (محمد: ۲۲)؛ «آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست و بدی (و مجازات) سرای آخرت» (عد: ۲۵)؛ «فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن، می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می کنند؛ اینها زیانکارانند» (بقره: ۲۷). (کلینی،

۳۷۷ / ۲، ۱۳۶۷)

دلالت آیات بر حرمت قطع رحم واضح است؛ زیرا لعنت خدا، دال بر حرمت است.

آیه دوم)

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسَدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.

آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست و بدی (و مجازات) سرای آخرت. (عد: ۲۵)

آیه سوم)

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسَدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.

فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می کنند؛ اینها زیانکارانند. (بقره: ۲۷)

دلالت این دو آیه بر حرمت قطع رحم، متوقف بر دو مقدمه است: نخست، وجود امر به صله رحم و دوم اینکه آیه اطلاق داشته باشد و قطع کل «ما امران یوصل» را شامل شود. وجوب صله توسط آیات و روایات ثابت شد؛ مقدمه دوم نیز حاصل شده است؛ چراکه آیه ظهور در عموم دارد، و موارد وارد شده در این روایات از باب بیان مصداق و جری و تطبیق

است و مانع انعقاد ظهور نیست.

۲-۳-۲. روایات

روایات فراوانی درباره حرمت قطع رحم ذکر شده است از جمله: «لَا تَقْطَعِ رَحِمَكَ وَإِنْ قَطَعْتَكِ؛ با رحم و خویشاوند خود قطع نکن اگرچه با تو قطع کند». (مجلسی، ۱۳۸۴، ۷۱/۱۰۶).
رَجُلًا مِنْ خَنَعَمَ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَنْبَعُضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ
الْبُرُكُ بِاللَّهِ قَالَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ.

مردی از خنعم نزد رسول خدا آمد و سوال کرد: کدام اعمال نزد خدا مبعوض تر است. پیامبر فرمود: «شکر به خدای تعالی». باز سوال کرد: در مرتبه دوم چه؟ پیامبر فرمود: «قطع رحم». (کلینی، ۱۳۶۷، ۵۸/۵).

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ قَاطِعُ رَحِمٍ؛ ملعون است، ملعون است کسی که قطع رحم کند». (حرعاملی، ۱۹۹۱، ۱۶/۲۸۰)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «الذُّنُوبُ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ و...؛ گناهانی که موجب تعجیل مرگ می‌گردند عبارتند از: قطع رحم نمودن و...». (کلینی، ۱۳۶۷، ۲/۴۴۸)
دلالت این روایات بر حرمت قطع رحم از باب نهی، ابغضیت، لعن و اطلاق ذنب بر قطع رحم است. کثرت روایات شک در حرمت قطع رحم را دفع می‌کند به علاوه اینکه حرمت قطع رحم از آیات متعدد اثبات می‌شود. (محسنی، ۱۳۸۶، ۵۸۲/۱)

۲-۳-۳. مراتب صله رحم و مقدار مانع تحقق قطع رحم

صله رحم حقیقت شرعیه نیست، و موارد صله رحم به حسب امکانه، ازمنه، افراد و فرهنگ‌ها متفاوت است. صله رحم اتصال و احسان به ارحام نسبی و سببی، مهربانی با آنها و سازگاری و مراعات کردن حال آنهاست، حتی اگر افراد شایسته‌ای نباشند. عده‌ای نیز آن را شریک ساختن خویشان در مال و مقام و دیگر خیرات دنیایی تعریف کرده‌اند. در مورد مراتب آن باید گفت شارع مقدس به سه دلیل تحقق صله رحم و عدم قطع رحم را بیان کرده است که بیش از آن واجب نیست: اول اینکه اطلاق امر به طبیعت یک شیء، ظهور در صرف الوجود دارد و بیش از آن دلیل می‌خواهد؛ دوم اینکه بسیاری از روایاتی که دلالت بر وجوب صله رحم دارد، اکتفا به کمترین حد صله رحم را جایز می‌داند: «وَأَلُو بِشَرِيَّةٍ مِنْ مَاءٍ؛

گرچه با یک جرعه ای آب؛ سوم اینکه با الغاء خصوصیت به این می‌رسیم که مراد ایجاد هر ارتباطی است که مانع صدق قطع شود و این از صریح عبارات روایات به دست می‌آید؛ چرا که «ولو» در لسان عرب دال بر حداقل در مقام تمثیل است (طاهری خرم‌آبادی، بی‌تا). از سوی دیگر علامه مجلسی تمییز بین مراتب صله رحم را مشکل دانسته و اکتفا به کمترین مرتبه را جایز نمی‌داند (مجلسی، ۱۳۸۴، ۱۱۱/۷۴). دیدگاه علامه مجلسی مطابق احتیاط، موافق عرف و تعاریف مذکور و مورد نظر نویسندگان پژوهش حاضر است؛ چرا که در تعاریف بر احسان، نیکی، مهربانی، شریک ساختن در مال و مقامات و خیرات دنیوی تأکید شده و عرف نیز فقط وصل به رحم را صله نمی‌داند.

۲-۳-۴. رفع تعارض ادله تبری با ادله وجوب صله ارحام کافر، مخالف و فاسق

در مورد ارحام کافر، مخالف ناصبی، غیر ناصبی، فاسق متجاهر به فسق و یا غیر متجاهر دو دسته ادله به ظاهر متعارض بیان شده است:

اول) ادله وجوب صله رحم و حرمت قطع که برخی آیات و روایات آن بیان شد. در این ادله بین رحم کافر، مخالف، فاسق و غیر آن فرقی بیان نشده است و در نگاه اول شامل ارحام مذکور نیز می‌شود.

دوم) ادله تبری از کافر، مخالف و فاسق که شامل رحم و غیر رحم نیز می‌شود. در مورد کفار، آیات و روایاتی وجود دارد که از هرگونه مودت آنان نهی کرده و تبری را لازم دانسته است مانند آیه ۲۲ سوره مجادله، آیه ۵۲ و ۵۸ سوره مائده و روایت امام محمد باقر علیه السلام که می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤَاخِيزُ كَافِرًا وَلَا يُخَالِطُ فَاجِرًا وَمَنْ آخَى كَافِرًا
أَوْ خَالَطَ فَاجِرًا كَانَ فَاجِرًا كَافِرًا.

کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد با کافری برادر نمی‌کند و از میان فجار برادری بر نمی‌گزیند، هر کس که از کفار برادری انتخاب کند و با فجار همنشین می‌نماید، کافر و فاجر خواهد بود. (حرعاملی، ۱۹۹۱، ۵۰۷/۱۱)

ادله وجوب صله رحم به کفار غیر حربی به کمترین مراتب صله رحم با آنان سفارش کرده است به گونه‌ای که مستلزم ولایت، مودت و احترام آنان نباشد. مانند آیه ۸ سوره ممتحنه

که در آن نیکی و عدالت نسبت به کفار غیر حربی منع نشده است. بنابراین، هرآنچه دال بر مودت، تکریم و مؤاخات با کفار باشد حرام و صله به کمتر از آن جایز است. بنابراین، در مورد کفار صله رحم نباید به جایی برسد که موجب دوستی، محبت و همدمی با آنان شود و شکی نیست که مرتبه پایین صله موجب تولی نخواهد شد. تمام موارد مذکور درباره کافر غیر حربی است، اما درباره کافر حربی به دلیل جواز یا وجوب قتل آنان، تکلیف به قطع صله است. (طاهری خرم‌آبادی، بی‌تا)

در مورد مخالف غیر ناصبی، ادله دلالت بر وجوب صله دارند. همچنین روایات متواتر، دلالت بر حرمت قطع رحم و لزوم تحقق پایین‌ترین مرتبه صله رحم دارد (رک. حرعاملی، ۱۹۹۱، ۲۶۲/۱۲). مراتب بالاتر از آن نیز به دلیل تواتر معنوی روایات صله عامه، شرکت در مجالس و عیادت مریض و تشییع جنازه آنان مستحب است.

در مورد صله رحم با مخالف ناصبی روایات متعارض است. مانند روایت ابن فضال از امام رضا علیه السلام:

مَنْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعًا أَوْ قَطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ مَدَحَ لَنَا غَائِبًا أَوْ أَكْرَمَ لَنَا مُخَالِفًا فَلَيْسَ مِنَّا
وَلَسْنَا مِنْهُ.

هر کس با کسی که با ما قطع ارتباط کرده بیبوندد و یا از آنکه به ما پیوسته، ببرد یا عیب‌کننده را مدح گوید، یا مخالف ما را گرامی دارد، با ما بیبوند معنوی ندارد و ما از او نیستیم. (حرعاملی، ۱۹۹۱، ۲۶۶/۱۶)

این روایت با اطلاقش بر قطع صله با هر مخالف ناصبی حتی ارحام دلالت دارد. جمع این روایات بیان‌کننده این مطلب است که صله رحم ناصبی به کمترین مراتب مانند کمک مالی و رفع نیازهای مادی اشکالی ندارد، اما مراتب بالاتر از آن مانند برادری، معاشرت و مجالست ممنوع است. ممکن است به این جمع بندی اشکال وارد شود؛ زیرا در روایت دیگری از سدیر صیرفی از کمک مالی به مطلق ناصبی منع شده است:

سَدِيرُ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَطْعِمُ سَائِلًا لَا أَعْرِفُهُ مُسْلِمًا. قَالَ نَعَمْ أَعْطِ مَنْ لَا تَعْرِفُهُ بَوْلَايَةٍ وَلَا عِدَاوَةٍ لِلْحَقِّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا. وَلَا تُطْعِمُ مَنْ نَصَبَ لِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ أَوْ دَعَا إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ.

سدیر صیرفی می‌گوید که از امام صادق علیه السلام سوال کردم: سائلی را چیزی می‌دهم

و نمی دانم مسلمان است. حضرت فرمود: «بده کسی را که ندانی دوستدار اهل بیت است یا دشمن آنان؛ زیرا خدای عزوجل فرموده است که با مردم به نیکی سخن بگویند، یعنی اعتقاد کفر نکنید. اما دشمنان اهل بیت را چیزی ندهید و همچنین افرادی که به باطل دعوت می کنند. (جرعاملی، ۱۹۹۱، ۴۱۴/۹)

پاسخ آن است که روایت داود رقی بر مطلوبیت کمک به رحم ناصبی دلالت دارد و نسبت به روایت سدیر خاص است و آن را تخصیص می زند، در نتیجه صله او در حد عدم صدق قطع، واجب و انفاق بر ناصبی نیازمند، مستحب است. از نظر اصولی، در ادله هیچ یک از دو گروه تنافی وجود ندارد که مباحث اصولی مفصل بیان شود بلکه این مرتبه از صله یعنی، مرتبه مستحب صله، به کافر، فاسق و ناصبی انصراف دارد و از نظر مبنی، دلیل استحباب شامل مواردی که به حرام کشیده می شود، نمی شود و در نظر عرف، میان آنها تنافی وجود ندارد.

در مورد رحم فاسق نیز بین روایات صله رحم از سویی و روایات دیگری که از مصاحبت با فاسق و به ویژه متجاهر به فسق نهی کرده است (مانند روایات امام سجاد علیه السلام که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ؛ بر حذر باشید از مصاحبت معصیت کاران و همدمی فاسقان» (جرعاملی، ۱۹۹۱، ۲۶۱/۱۶) در نگاه اول تعارض دیده می شود، اما با تأمل در این دو دسته روایت می توان گفت که اگر صله رحم با فاسق همراه با مؤاخات، برادری و صمیمت باشد، به مقتضای روایات فراوان باب عشره (رک. جرعاملی، ۱۹۹۱، ۸/۱۵) جایز نیست و از اطلاق روایات صله رحم خارج می شود، اما اگر صله رحم به غیر از موارد مذکور با مراتب پایین تری از قبیل احوالپرسی ساده و کمک مالی ممکن باشد، لازم خواهد بود. همچنین اگر صله رحم سبب گناهی مانند نگاه به اجنبی، شرکت در مجلس حرام، شنیدن صدای حرام و غیره شود، حکم دارای ملاک مهم تر، مقدم می شود. اگر با گناه صغیره تزاحم کند و هیچ مندوحه ای وجود نداشته باشد، با رعایت احتیاط در جانب صغیره، صله مقدم می شود و اگر با گناه کبیره ای تزاحم کند، محل اختلاف است (طاهری خرم آبادی، بی تا).

۳. کارکردهای روان شناختی صله رحم

یکی از زمینه‌های تعادل و کارآمدی فردی و خانوادگی، تأمین نیازهای اساسی است. از آنجا که ساحت روحی و روانی انسان دارای اهمیت زیربنایی است، برآوردن نیازهای روان‌شناختی سهم ویژه‌ای در رسیدن به تعادل، آرامش روانی و تکامل دارد. خانواده، مهد تولد، تربیت و پرورش انسان و بستر مناسبی برای برآوردن نیازهای روان‌شناختی است. برخی از آثار و کارکردهای صله رحم در تأمین نیازهای روان‌شناختی در حیطه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی عبارتند از: آرامش روانی، احساس ایمنی، ارضای نیازهای عاطفی، ارضای نیاز به محبت، تعلق به گروه، ابراز خود و احساس ارزش مندی، شکوفایی استعدادها از طریق همانندسازی و الگوگیری، آموزش و رعایت هنجارهای خانوادگی و اجتماعی، تسهیل فرایند اجتماعی شدن و کاهش اضطراب اجتماعی یا همان کمرویی. به دلیل کارکردهای فراوان صله رحم، اسلام آن را واجب کرده است، اما نتیجه پایانی آن، کارآمدی فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد بود.

۳-۱. آرامش روانی

عوامل تنیدگی‌زا در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان فراوانند. اسلام برای مقابله و افزایش سطح سازش یافتگی فرد، علاوه بر بهره‌جستن از روش‌های شناختی مانند ایمان و توکل به خدا، اعتقاد به مقدرات الهی و همچنین به کارگیری روش‌های معنوی مانند توسل و دعا از روش‌های رفتاری مانند تشویق به داشتن ارتباط با خویشاوندان بهره می‌گیرد؛ زیرا اگر کسی از حمایت‌های خانوادگی برخوردار نباشد، خود را از نظر روانی بدون پشتوانه می‌بیند و مورد هجوم مشکلات فراوان قرار خواهد گرفت. درحالی‌که اگر در مواجهه با حوادث و مشکلات مختلف از تکیه‌گاه محکم خانوادگی و خویشاوندی برخوردار باشد، خود را قدرت‌مند دانسته و دچار تنیدگی، اضطراب و تنهایی نمی‌شود، در نتیجه از آسیب‌های مختلف در امان می‌ماند. از این رو، رحم یکی از قوی‌ترین عوامل برای التیام، آشتی و دوستی بین افراد یک قوم است و استعداد قوی‌ترین آثار را از این نظر دارد (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴/۲۳۴).
حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ عَشِيرَتِهِ وَدِفَاعِهِمْ عَنْهُ
بِأَيْدِيهِمْ وَالْأَسْتَتْرِبِهِمْ وَهُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حِيْطَةً مَنْ وَرَائِهِ وَالَّذِينَ لَسَعَتْهُ وَاعْتَفَفْتُمْ عَلَيْهِ

عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا تَرَكَتْ بِهِ .

خویشاوندان انسان بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او پر عاطفه‌ترین مردم می‌باشند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹)

پژوهش‌های بسیاری مانند پژوهش غباری بناب و پیشاهنگ (۱۳۷۸)، دی باو و تاساک^۱ (۱۹۸۹)، وارنی^۲ و همکاران (۱۹۸۹)، تائه^۳ و همکاران (۲۰۰۰) و مک داول^۴ (۱۹۹۷) آثار ارتباطات خویشاوندی و صله رحم با سلامت روانی را سنجیده‌اند و از سوی دیگر تحقیقاتی نیز رابطه مثبت بین سلامت روان با کارآمدی و تحکیم بنیان خانواده را گزارش کرده‌اند (ر.ک. هوشیاری، و صفوری، ۱۳۹۴). بنابراین، تعامل و روابط خانوادگی و اجتماعی سالم که صله رحم یکی از مفاهیم آن است، نقش عمده‌ای در سلامت و بهزیستی روان‌شناختی فرد و در نهایت کارآمدی و تحکیم خانواده دارد (قاسمی‌پور، غباری بناب، و فقیهی، ۱۳۸۶).

۳-۲. احساس ایمنی

احساس نایمنی، از موضوعات مهم روابط بین فردی است که سلامت روان فرد را به مخاطره می‌اندازد. از نظر مزلو عناصر احساس نایمنی عبارتند از: احساس طرد شدن، مورد عشق و علاقه دیگران نبودن، رفتارهای سرد و بدون محبت دیگران با فرد، اطمینان به مورد تنفرو خصوصیت دیگران بودن، احساس تنهایی و احساس خطر دائمی. او معتقد است که عناصر فوق، نشانه‌های اولیه احساس نایمنی است. (شاملو، ۱۳۹۲) اسلام می‌خواهد با صله رحم، پیوندی محکم بین افراد فراهم کند تا افراد در برابر فشارهای زندگی، یکدیگر را یاری نمایند؛ زیرا همدلی و همکاری بین فردی، مقاومت افراد در مقابل مشکلات ارتفا بخشیده و به تقویت «من» می‌انجامد و با داشتن «من قوی» مشکلات زندگی کمتر نمود پیدا کرده و فشار روانی کاهش می‌یابد؛ این همان چیزی است که بهداشت روانی در پی آن است.

اگر صله رحم ترک شود، زمینه احساس طرد شدگی، تنهایی و احساس خطر دائمی فراهم می‌شود. این مسئله به سبب فقدان روابط عاطفی و صمیمانه خواهد بود و فرد

1. Dubow Tisak
2. Varni
3. Tea
4. Mc, Dowell

احساس می‌کند مورد محبت و علاقه دیگران نیست و اقوام برای وی ارزش قائل نیستند و با کم شدن و یا قطع ارتباط رحمی، فرد دچار احساس تنهایی شده و در مواقع نیاز، خود را در معرض خطر می‌بیند که این موضوع سبب به خطر افتادن بهداشت و سلامت روانی و کارآمدی وی خواهد شد. (احمدی، و بشیری، ۱۳۷۹)

۳-۳. ارضای نیازهای عاطفی

نیاز به پیوند و ارتباط با نزدیکان و ارحام از بدو خلقت در انسان وجود دارد و ارضای آن به تأمین و ارضای نیازهای عاطفی انسان کمک فراوانی می‌کند. این پیوند در ابتدا به شکل وحدت وجودی است؛ یعنی همه نیازهای مادی و روانی جنین و مادر بر اساس یک مکانیزم واحد با هم آنها تأمین می‌شود. پس از تولد ارتباط با مادر همچنان وجود دارد و اگر به هر دلیلی این رابطه کم یا قطع شود، ضررهای جبران ناپذیری به کودک وارد می‌شود و سلامت جسمی و روانی او را به مخاطره می‌اندازد. همچنانکه کودک بزرگ می‌شود وابستگی او به مادر کمتر می‌شود، ولی نیاز عاطفی او به مادر همواره وجود دارد و بخشی از این نیاز عاطفی از طریق سایر اعضای خانواده و نزدیکان تأمین می‌گردد. حتی زمانی که فرد زندگی مستقلی را شروع می‌کند از خویشاوندان و خانواده به طور کامل جدا نیست و به برقراری ارتباط با آنها و به ویژه حمایت‌های عاطفی آنها نیازمند خواهد بود. در واقع همه این نیازها را می‌توان جلوه‌های نیاز به ایمنی که یکی از کساننده‌های اصلی در وجود انسان است تلقی نمود که در صورت عدم تأمین، سلامت روانی فرد آسیب خواهد دید. بنابراین، انسان با برخورداری از چنین ویژگی‌های شناختی و عاطفی است که می‌تواند به خوبی همه فراز و نشیب‌های زندگی را پشت سر بگذارد و در برابر فشارهای اجتناب ناپذیر زندگی واکنش‌های مثبت و سازنده داشته باشد. (احمدی، و بشیری، ۱۳۷۹)

۳-۴. ارضای نیاز به محبت

انسان در تمام مراحل زندگی نیازمند محبت است. این نیاز در بدو تولد با رابطه عاطفی و محبت‌آمیز مادر با نوزاد و به آغوش کشیدن او تأمین می‌شود. ارتباط صحیح و برخاسته از عشق و علاقه پدر نیز در این زمینه اهمیت فراوانی دارد و اگر به هر دلیلی این نیاز عاطفی، به ویژه در این دوره، برآورده نشود، ضررهای جبران ناپذیری به کودک وارد می‌شود و سلامت

جسمی و روانی او را به مخاطره می‌اندازد. (صفورایی، ۱۳۸۸)

این نیاز در دوره نوجوانی و جوانی از طریق اعضای خانواده و دیگر افراد جامعه که با آنان ارتباط دارد، تأمین می‌گردد. برقراری ارتباط با خویشاوندان و رفت‌وآمد با آنان، بهترین بستر برای برقراری تعاملات عاطفی، اظهار علاقه و محبت به یکدیگر است و نقش بسزایی در تأمین این نیازها دارد. در پرتو صله رحم و در فضای همدلی و هم‌احساسی، محبت و علاقه اعضای خانواده و خویشاوندان به یکدیگر تجلی می‌یابد. بنابراین، صله رحم جزء حقوق واجب اعضای خانواده است و هر یک وظیفه دارند نسبت به دیگری این حق را رعایت کند. از این رو، خداوند متعال در آیات متعدد صله رحم را واجب کرده است (رک.. نساء: ۱).

۳-۵. ارضای نیاز تعلق به گروه

انسان موجودی اجتماعی است و بدون ارتباط، همیاری و همکاری با دیگران و بهره‌گرفتن از کمک‌های مادی و معنوی آنان نمی‌تواند به زندگی خویش نظم بخشد و به اهداف خود برسد. نتایج تحقیقات میدانی نشان می‌دهد بیمارانی که مورد حمایت ملموس و عاطفی دوستان و خانواده قرار می‌گیرند، بهتر از بیمارانی که از این حمایت محروم بوده‌اند، سازگاری حاصل می‌کنند. (ورتمن، ۱۹۸۴؛ دانکل، شتر، ورتمن، ۱۹۹۲. به نقل از دیماتشو، ۱۳۸۲).

ارتباط با گروه تنها برای تأمین احتیاجات مادی نیست، بلکه فرد از راه حضور در گروه به خصوصیات اخلاقی، استعدادها و توانمندی‌های خویش پی می‌برد. پذیرفته شدن از طرف گروه، موقعیت اجتماعی فرد را در نظر خود او و دیگران مشخص و معین می‌سازد. خویشاوندان در حکم یک گروه منسجم اجتماعی هستند و هر فردی در سایه تعلق به آن، به تأمین این نیاز روانی می‌پردازد. حفظ پیوندهای خانوادگی و ارتباط با آنان مانع بروز احساس طرد شدن و عدم تعلق به گروه خاص می‌شود. احساس تنهایی که یکی از نشانگان اصلی افراد نایمن است، با رعایت این آموزه دینی، به احساس تعلق و ایمنی اعضای خانواده تبدیل خواهد شد و بر سلامت روان، کارآمدی و میزان سازگاری آنان خواهد افزود. (صفورایی، ۱۳۸۸)

خویشاوندان در حکم یک گروه اجتماعی منسجم هستند و هر فرد در سایه تعلق به این گروه نیازهای روانی خویش را برآورده می‌سازد؛ زیرا تعلق به گروه مانع بروز احساس

طرد شدگی و از خود بیگانگی، تنهایی و احساس حقارت می‌شود. بنابراین، با رعایت آموزه اسلامی صله رحم می‌توان نیازهای روانی از جمله نیاز تعلق به گروه را تأمین نمود.

۳-۶. ارضای نیاز ابراز خود

یکی از نیازهای روانی انسان ابراز وجود و ارائه افکار و عقاید خویش به دیگران است. انسان همیشه متناسب با مرحله رشد خویش تلاش می‌کند توانمندی‌ها و عقاید خویش را بروز دهد. موضوعاتی نظیر تربیت فرزندان، چگونگی اداره زندگی، رمز و راز موفقیت و پیشرفت و مهارت‌های مختلف در رفع مشکلات شخصی و نظایر آن، مورد توجه و علاقه همه افراد است که برای هر کدام راه یا وسیله تازه و جدیدی کشف کرده‌اند و می‌خواهند آن را به دیگران ارائه نمایند. یکی از این فرصت‌ها جمع‌های خانوادگی و خویشاوندی است. جدای از انتقال تجارب و تعامل‌های اجتماعی، همین بیان و ابراز خود، نقش زیادی در ایجاد آرامش روانی فرد خواهد داشت. (احمدی، ۱۳۸۰)

۳-۷. ارضای نیاز احساس ارزشمندی

احساس ارزشمندی (عزت نفس) یکی از نیازهای مهم روانی است. همه نیاز دارند که خود را ارزشمند ببینند. این نیاز می‌تواند در تعامل خانوادگی و اجتماعی همراه با بازخورد مثبت ارضا شود. وقتی این نیاز ارضا شود، شخص احساس اعتماد به نفس، توانایی، قابلیت و کفایت می‌کند و خود را مفید می‌یابد. در صورت ورود خلل بر این نیاز، احساس حقارت، ضعف و ناامیدی و یا احساس خودبزرگ بینی در فرد ایجاد می‌شود. (دیماثو، ۱۳۸۲). از جمله عواملی که می‌تواند نقش زیادی در ارضای این نیاز داشته باشد، صله ارحام است.

۳-۸. شکوفایی از طریق همانندسازی

یکی از مفاهیم مهم در بهداشت روانی و اساس اجتماعی شدن کودک، «همانندسازی» است. پرورش در دامن مادر، حضور در جمع خانواده و سپس تعامل مثبت با خویشاوندان شرایط همانندسازی سالم را برای کودک فراهم می‌آورد. بودن در جمع خانواده و اقوام، روابط عاطفی و اجتماعی را گسترش می‌دهد و ضوابط اجتماعی باعث ایجاد نظم و رعایت قوانین از طرف کودک می‌شود. بنابراین، ارتباط با اقوام می‌تواند از طریق الگو قرار گرفتن

به روند رشد اجتماعی کودکان کمک کنند و ارزش‌ها، نگرش‌ها و معیارهای رفتاری کودکان را شکل دهند و سبب شکل‌گیری صحیح شخصیت آنها شود. بنابراین، صله رحم یکی از برنامه‌های عملی اسلام در بعد روابط اجتماعی است که باعث اجتماعی شدن کودک و نوجوان، کسب مهارت‌های ارتباطی، رعایت آداب و رسوم و حقوق دیگران و در نهایت رشد و شکوفایی بعد اجتماعی آنها خواهد شد. (احمدی، و بشیری، ۱۳۷۹)

۳-۹. آموزش و رعایت هنجارها

پژوهش‌گران روان‌شناسی اجتماعی برای باورند که فرد وقتی در گروه قرار می‌گیرد و احساس تعلق می‌کند، تحت تأثیر اصل تسهیل اجتماعی به رفتارهای مورد قبول گروه اقدام می‌نماید. از این عامل می‌توان در ارتباطات گروهی و روابط خویشاوندی برای پای بندی افراد به هنجارهای مثبت و ارزش‌های اخلاقی و گسترش آن بهره جست. با گسترش فرهنگ صله رحم، احساس تعلق به گروه و هم‌نوایی گروهی افزایش می‌یابد و افراد برای رعایت هنجارهای پذیرفته شده خانواده تلاش می‌کنند. از سوی دیگر، اگر کسی از مصالح جمع پیروی نکند از شبکه حقوق و وظایف متقابل گروهی طرد می‌شود، از این طریق، صله رحم خودبه‌خود جلوی بسیاری از ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها را می‌گیرد.

۳-۱۰. تسهیل‌کننده فرایند جامعه‌پذیری و درمان اضطراب اجتماعی

یکی از مفاهیمی که مورد تأکید روان‌شناسان رشد اجتماعی می‌باشد، فرایند جامعه‌پذیری^۱ فرد است. (آلپورت، ۱۹۲۰، به نقل از احمدی، ۱۳۸۰) منظور از رشد اجتماعی، دستیابی فرد به اصول اجتماعی است؛ به گونه‌ای که شخص بتواند با افراد جامعه‌اش هماهنگ و سازگار باشد. در مقابل، اضطراب اجتماعی یا همان کمروبی نوعی معلولیت اجتماعی است. اولین محیط فرهنگی و اجتماعی که از طریق تسهیل اجتماعی بررشد اجتماعی و درمان کمروبی تأثیر می‌گذارد، کانون خانواده، رفتارها و کنش و واکنش‌های اعضای آن است. هرچه روابط خانوادگی و خویشاوندی بیشتر شود، این فرایند شکل بهتری خواهد گرفت.

توجه ویژه والدین به مبانی تربیت اجتماعی و تقویت مهارت‌های ارتباطی از اساسی‌ترین مسائل پیشگیری و درمان کمروبی است. یکی از مؤثرترین راه‌های اجتماعی شدن و تقویت

مهارت‌های ارتباطی، ارتباط و پیوند با خویشاوندان یا همان صله رحم است؛ زیرا با صله رحم به دلیل بار عاطفی زیاد آن، بهتر می‌توان کودک را با محیط بیرون از خانه آشنا کرد و با قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی او را آماده نمود تا با موقعیت‌های جدید و افراد غریبه راحت ارتباط برقرار کند و کمتر دچار اضطراب و ترس شود. (احمدی، و بشیری، ۱۳۷۹)

رسول گرامی اسلام ﷺ درباره معنای آیه «واتقوا الله الذی تسائلون به والارحام» (نساء: ۱)، می‌فرماید: «خدای متعال امر می‌کند به این که صله رحم کنید؛ زیرا صله رحم هم زندگی دنیای شما را طولانی‌تر می‌کند و هم در آخرت برایتان بهتر است» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۱۷/۲) علامه طباطبایی درباره این حدیث بیان می‌کند:

ممکن است مراد از جمله «زندگی دنیای شما را طولانی‌تر می‌کند» این باشد که صله رحم و حفظ پیوندهای خانوادگی، زندگی را از نظر آثار طولانی می‌کند؛ چون باعث وحدت جاری بین اقارب می‌شود و وقتی روابط خویشاوندی محکم‌تر شد انسان برای از بین بردن عوامل ناسازگار زندگی بهتر مقاومت می‌کند و بهتر از بلاها و مصائب و دشمنان جلوگیری به عمل می‌آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴/۲۳۴)

بنابراین، صله رحم به عنوان بسترارضای نیازهای روان‌شناختی، با ایجاد آرامش روانی، کاهش اضطراب و ایجاد پیوند با خدا، بر کیفیت زندگی فردی و خانوادگی تأثیر می‌گذارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

از نظر اسلام، صله رحم یک تکلیف شرعی است و به دلیل آثار و کارکردهای فردی، خانوادگی و اجتماعی که دارد، ترک آن حتی در مورد ارحام کافر غیر حربی و فاسق جایز نیست، بلکه حداقل مراتب آن یعنی، صله مالی مستحب است. در مورد ارحام ناصبی نیز حداقل مراتب صله رحم مطلوبیت شرعی دارد. بر اساس تحلیل روان‌شناختی، به طور کلی صله رحم از حیث فردی؛ موجب تأمین نیازهای اساسی عاطفی و روانی می‌شود. فرد با حضور در جمع خویشاوندان و با رعایت هنجارها، تأیید اجتماعی دریافت می‌کند، با همدلی و همیاری دیگران جایگاه خود در گروه را تثبیت کرده و بر ناگواری‌ها و اضطراب‌های اجتماعی غالب می‌شود که این امر سبب بهبود کیفیت زندگی، شکوفایی استعدادها، سلامت و آرامش روانی خواهد شد.

صله رحم از حیث خانوادگی باعث سلامت و آرامش روانی اعضای خانواده شده و زمینه-ساز کارآمدی و تحکیم بنیان خانواده می‌شود. هنگامی که روابط اعضای یک جامعه از ریشه‌های خویشاوندی نشأت بگیرد، توجه جامعه به سوی اهداف مشترک بیشتر خواهد شد و گسیختگی در حرکت به سوی اهداف و آرمان‌ها وجود نخواهد داشت. در نتیجه، جامعه با همدلی و تعاون به سوی پیشرفت و تکامل حرکت خواهد کرد.

در راستای نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که علاوه بر پایبندی تمام افراد جامعه به صله رحم، آموزش احکام فقهی و کارکردهای روان‌شناختی آن به عنوان یکی از راهکارهای تکامل و تعالی فردی، خانوادگی و اجتماعی و درمان نابهنجاری‌های رفتاری و روانی، در دستور کار متصدیان تعلیم و تربیت، مشاوران، روان‌شناسان، خانواده‌درمان‌گران و دیگران قرار گیرد.

فهرست منابع

- * قرآن مجید (۱۳۷۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. دارالقرآن الکریم. قم.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات صفی.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۰). نقش صله رحم در بهداشت روانی. نشریه معرفت، ۲۹، ۴۰-۴۰.
۳. احمدی، محمدرضا. و بشیری، ابوالقاسم (۱۳۷۹). نقش صله رحم در بهداشت روانی. نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۴۱، ۴۱-۴۷.
۴. پیشاهنگ، مرگان (۱۳۷۹). *رابطه صله رحم با سازگاری اجتماعی نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۹۹۱). *وسائل الشیعه*. تهران: دار احیاء التراث العربی.
۸. حلی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*. قم: مطبعه العلمیه.
۹. دیماتئو، ام رابین (۱۳۸۲). *روان‌شناسی سلامت*. مترجم: موسوی، مهدی. تهران: سمت.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دمشق.
۱۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۲. شاملو، سعید (۱۳۹۲). *بهداشت روانی*. تهران: انتشارات رشد.
۱۳. صفورایی یاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۸). *صله رحم و کارآمدی خانواده*. نشریه راه تربیت، ۹، ۱۵۵-۱۶۸.
۱۴. طاهری خرم آبادی، سید حسن (بی‌تا). *صله الرحم و قطیعت‌ها*. قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. العاملی الکرکی، حسن بن علی بن عبدالعلی (۱۳۹۴). *اطائب الکلم فی بیان صله الرحم*. قم: نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی: مطبعه مهر استوار.
۱۷. قاسمی پور، یارالله، غباری بناب، باقر، و فقیهی، علی نقی (۱۳۸۶). آثار صله رحم از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و کاربردهای تربیتی آن. نشریه تربیت اسلامی، ۳، ۸۱-۹۵.

۱۸. قرشی، علی اکبر (۱۳۸۷). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). فروع کافی. مترجم: غفاری، علی اکبر. قم: دارالکتب الاسلامی.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۴). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. محبی، سعید (۱۳۸۳). دائره المعارف تشیع. تهران: نشر شهید.
۲۲. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۶). حدود الشریعه، المحرمات. قم: بوستان کتاب.
۲۳. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۴. نراقی، ملامهدی (۱۹۶۳). جامع السعادات. نجف: مطبعه النجف الاشرف.
۲۵. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: انتشارات آل البيت علیهم السلام.
۲۶. هوشیاری، جعفر، و صفورایی یاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۴). رابطه کارآمدی خانواده با بهزیستی روان شناختی در دانشجویان و طلاب. نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ۹، ۷۷-۹۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی